

ماده تاریخ دو تعمیر حرم عسکریین علیهما السلام در سال ۱۱۰۹ هق و در حدود سال ۱۲۰۰ هق

به کوشش: حسین واثقی

مقدمه

در مسیر جستجو برای گردآوری مواد جهت موسوعه (ذخائر الحرمین الشریفین) گاهی به مطالبی برمی خورم که ربطی به آن موضوع ندارد، اما علائق مذهبی و اعتقادی نمی گذارد به آسانی بگذرم و آن ها را نادیده بگیرم، زیرا جدید و جذاب هستند. از آن نویافته ها، ماده تاریخ هایی است درباره آبادانی حرم مطهر امام علی النقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در سامرا، در دو زمان مختلف؛ اولین مورد به سال ۱۱۰۹، و دومین آن به حدود سال ۱۲۰۰ هق برمی گردد.

مورد اول سال ۱۱۰۹

سلطان حسین صفوی (حکومت ۱۱۰۵ - ۱۱۳۵ هـ.ق) آخرین پادشاه سلسله صفوی - گذشته از نقاط ضعف او در حکومتداری که منجر به مرگ او و انقراض صفویه شد - خدمات شایانی به مرقد های معصومین علیهم السلام انجام داد و متصدی این گونه خدمات، محمود جبه دارباشی از رجال دربار او بود.

یکی از این دست خدمات، نصب صندوق و ضریح بر روی قبر امام هادی و امام عسکری در سال ۱۱۰۹ هـ.ق به امر همان سلطان و به مباشرت همان محمود جبه دارباشی بوده است.

در صفحات ۲۴۵ - ۲۴۶، از نسخه خطی شماره ۱۶۳۶۲ کتابخانه آستان مقدس امام رضا علیه السلام، که کل مجموعه متعلق به آقا جمال خوانساری فرزند آقا حسین خوانساری از علمای مشهور دوره صفویه است اشعار عربی و فارسی زیر درباره (تاریخ صندوق منور عسکریین علیهم السلام که حسب الأمر الأعلى گفته شده) آمده است و چنین به نظر می رسد که از منشآت آقا جمال خوانساری باشد.

در قرائت این ابیات، ناهمواری ها و احیاناً اغلاطی وجود دارد که امید است با یافتن نسخه ای دیگر به ارائه متنی صحیح از آن دست یابیم. آنچه در این مقاله ارائه می شود گرچه از جنبه ادبی و شعری قوی نیست اما به جهت تاریخی حائز اهمیت است و همین سبب اهتمام ما به این ابیات بوده است.

(قَدْ وَعَى صُنْدُوقُ سِرِّاللهِ نَجَلِ المصطفى = ۱۱۰۹)

حَبَّذَا مِسْكَاءُ نُورِ جَاءَ فِي تَارِيخِهِ

تَالِي الْقُرْآنِ سِرِّاللهِ نِبْرَاسِ الهُدَى

يَا لَهُ مِنْ لَوْحِ مَحْفُوظِ تَجَلَّى حَاوِيَاً

قَدْ طَفَى فَوْقَ مَحِيْطِ النُّورِ سِرِّ مَنْ رَأَى

سُرَّعَيْنِ قَدْ رَأَتْ مِنْهُ حَبَابَانَ اسْبَا

وَفَقَّ الْبَارِي لِهَذَا عَبْدَهُ سُلْطَانَ حَسِينِ	خَادِمَ الدِّينِ الْقَوِيمِ كَلَّبَ بَابَ الْمُرْتَضَى
زَادَ مِنْ هَذَا السَّرِيرِ الْبَسْطَ فِي سُلْطَانِهِ	زَادَهُ اللَّهُ الْعُلَى مَا دَامَتِ السَّبْعُ الْعُلَى
لَمْ يَزَلْ مُحَمَّدٌ آقَا عَبْدَهُ الْحُرِّ الَّذِي	مَالَهُ فِي حُبِّ مَوْلَاهُ نَظِيرٌ فِي الْوَرَى
سَاعِيًا فِي كُلِّ مَا يَعْنِيهِ فِي إِتْمَامِهِ	رَاجِيًا خَيْرَ الْجَزَاءِ عِنْدَ أَعْلَامِ الْهُدَى
أَيْضًا:	
أَيُّ اللَّهِ صُنْدُوقٌ لِمَوْلَى	تَبَوَّأَ مَنْزِلًا فَوَقَّ السَّمَاكِينِ
يَرَاهُ كُلُّ صَادِقٍ عَيْنٍ فِيضٍ	يُرَوِّي مَنْ تَوَخَّاهُ مِنَ الْغَيْنِ
تَحْرَى عَبْدَهُ سُلْطَانَ حَسِينِ	لِإِسْتِمَامِهِ جَدًّا لَهُ زَيْنِ
بِهَذَا الْجِدِّ جَدِّدَ بَسْطَ مُلْكِهِ	وَكُرِّرْ نَصْرَهُ كَرَّ الْجَدِيدِ
فَأَيَّةُ مُلْكِهِ الصُّنْدُوقُ أَضْحَى	لِتَابُوتِ السَّكِينَةِ ثَانِيًا اثْنَيْنِ
تَصَدَّى عَبْدُهُ الْمُحَمَّدُ فَعَلًّا	وُقِيَ فِي كُلِّ حِينٍ آفَةٌ الْحِينِ
لِبَدْلِ السَّعْيِ فِي الْإِتْمَامِ أَبَدَى	صُنْدُوقِ عَزِيمَةٍ بَانَتْ مِنَ الْبَيْنِ
وَمَاتَمَ وَرَخْنَا فِقْلَنَا:	(تَبَدَّى مِنْهُ عَيْنُ النُّورِ كَالْعَيْنِ = 1109)
تاريخ به جهت نصب ضريح منور	
بَارَكَ اللَّهُ تَعَالَى نَصَبَ ذَا الْعَرْشِ الَّذِي	جَاءَ فِي تَارِيخِهِ (مَشَكَاتُ نُورِنَا زَل)¹
قَدْ أَتَى مُسْتَمْسِكًا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى مَتَى	جَاءَهُ مَنْ صَدَّقَ الْمَوْلَى بِصَدَقٍ كَامِلِ
إِنَّهُ نُورٌ عَلَى نُورٍ تَجَلَّى فِي الْوَرَى	تَسْتَضِيءُ مِنْهُ فِي الْأَطْرَافِ عَيْنُ الْعَاقِلِ

۱. ارزش جمله (مشکات نورنازل) به حساب جمل ۱۱۰۵ می باشد.

أَيَّدَ الْمَوْلَىٰ لِهَذَا عَبْدَهُ سُلْطَانَ حُسَيْنٍ	كَلَّبَ بَابَ الْمُرْتَضَىٰ شِبْلَ الْهَزْبِ الصَّالِي
زَادَ مِنْ هَذَا الْعَرِيْشِ رَفْعَةً فِي مَلِكِهِ	خُلِدَتْ أَيَّامُهُ مَوْضُوعَةً بِالْأَجَلِ
إِنَّ جُبَّادَ رِابَشَىٰ عَبْدَهُ الْحَرَّالذِي	كَانَ فِي إِتْقَانِهِ يَسْعَىٰ بِوَجْهِ كَامِلٍ
كَاسَمِهِ لَا زَالَ مُحَمَّدَ الْأَفَاعِيلِ وَقَدْ	حُصِّلَتْ أَمَالُهُ فِي الْآجَلِ وَالْعَاجِلِ
أَيْضاً بِهِ جَهت ضريح مقدس	
بُـورِكَ ذَا الْعَرْشِ إِذْ	تَمَّ لِعَرْشِي الْعُلَىٰ
حُجَّتِي إِلَهِ فِي الْـ	أَرْضِ إِمَامِي الْوَرَىٰ
قُلْتُ لِعَامٍ تَمُّهُ	يُوجَدُ مَنْ يُؤْرَخُ
قَالَ مـؤْرَخٌ: (بـدا	مَشْرِقُ شَمْسِي الْهُدَىٰ) ^۱
هو. تاریخ صندوق منور] به فارسی]	
زهی صندوق رحمت مخزن اسرار ربانی	که همچون نقطه بر بالای نور آن لا مکان باشد
به چشم روشنان عالم بالا زحق بینی	به بالای زمین چون آفتاب آسمان باشد
در آغوش ضریح این چشمه سار نور یزدانی	بسان مردمک در دیده روشن دلان باشد
گشاد بستگی ها چون به این طوبی قرین بسته	از این لوح طلسم حاجت درماندگان باشد
ز شاهان جهان برد [آن که] این گوی سعادت را	سگ شیر خدا سلطان حسین کامران باشد
سَمِّي خَامِسَ آلِ عِبَاشِدَاز نَكُونَامِي	در اینجانام او کرسی نشین عرش از آن باشد
عجب نقش مرادی از ره اخلاص مندی زد	که از نامش برین زیبانگین دائم نشان باشد
چو قابل آید از خاصان خود محمود آقارا	به او فرمود تا سرکار این فیض آشیان باشد
مسیح از بهر تاریخش چراغ افروز چون گشتم	ندا آمد بگو: (فانوس شمع دین عیان باشد=۱۱۰۹)

۱. ارزش جمله (بدا مشرق شمسی الهدی) به حساب جمل ۱۱۰۷ می باشد.

این صندوق مقدّس نورفشان	آیضاً: چون شد به عنایت الهی سامان
تاریخش راز هاتفی جستم گفت:	(باشد مهر و هاله ماهی تابان = ۱۱۰۹)
این صندوق سکینه ربّ ودود	آیضاً: آمد چوبه توفیق الهی به وجود
تاریخش راز هاتفی جستم گفت:	(تابوت سکینه جلوه‌ها باز نمود) ^۱
لفظی که معنی آن سرّ خداست باشد	این فیض باز صندوق کز چشم بد بُود دور
در چشم اهل بینش این عرش کبریایی	بالای کعبه باشد جایش چو بیت معمور
تاریخ آن چو جستم از بر عقل گفتا:	(داده بدیده جلوه سر لوح سوره نور) ^۲
چو این ضریح مقدّس بنای فیض قرین	آیضاً: تمام گشت به توفیق کردگار مجید
برای مصرع تاریخ نصب آن جمال گفت:	(بیا بجمع بحرین رحمت جاوید) ^۳

پیوسته

۱. جمله (تابوت سکینه جلوه‌ها باز نمود) به حساب جمل مساوی ۱۱۱۴ می‌شود.

۲. جمله (داده بدیده جلوه سر لوح سوره نور) به حساب جمل مساوی ۹۱۴ می‌شود.

۳. جمله (بیا بجمع بحرین رحمت جاوید) به حساب جمل مساوی ۱۱۱۰ می‌باشد.

توجه: اختلافاتی که در ماده تاریخ‌ها همچون ۱۱۰۵، ۱۱۰۷، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۴، مشاهده می‌شود اگر نخواهیم آنها را غلط بشماریم به این گونه توجیه پذیر است که بگوئیم از هنگام مشاوره و تصمیم بر ساخت و زمانی که صرف ساخت آن در ایران، و سپس حمل آن به سامرا با امکانات آن روزگار، و نصب آن می‌شود، زمان قابل توجهی را می‌طلبد، و این اختلاف در ماده تاریخ‌ها به حسب مراحل انجام چنین کار وقت‌گیری است. لیکن سال ۹۱۴ توجیه ناپذیر است.

مورد دوم در حدود سال ۱۲۰۰ هـ ق

احمد خان دُنْبلی خوئی حاکم نیکوکار خوی و مقتول در سال ۱۲۰۰ هـ چند سال قبل از وفات خود تصمیم می‌گیرد عمارت مشهد عسکریین علیه السلام را تجدید کند و متصدی و مباشر آن پروژه بزرگ، عالم جامع میرزا محمد مستوفی الممالک (د ۱۲۲۳ هـ ق) بوده است. البته آن عمارت وسیع و عظیم در حیات او پایان نمی‌پذیرد بلکه حسینقلی خان فرزند احمد خان با اعتقادی راسخ و همتی بلند و صرف اموال فراوان آن توسعه و بازسازی را ادامه می‌دهد و تکمیل می‌کند. در کتاب‌های تاریخ سامرا تألیف شیخ ذبیح الله محلاتی، و *تحفة العالم* تألیف عبد اللطیف شوشتری، و *مرآة الشرق* (ج ۱ ص ۹۰ - ۹۱) تألیف صدر الإسلام خوئی و دیگر کتابها از این بازسازی یاد شده است و به مناسبت همین عمارت و تجدید بنا، در *مرآة الشرق*، ج ۲، ص ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹ قصیده عربی دیگری در ۱۸ بیت چاپ شده با این مطلع:

أَلَا إِنَّ هَذَا مَشْهُدٌ قَدْ سَمِعْنَا عَلَا
فَسَامِي السَّمَاءِ فَنُحْرًا بَيْنَ فِيهِ قَدْ حَلَا
و بیت آخر که در مصراع آخر ماده تاریخ درج شده چنین است:

فَقَلْتُ وَقَدْ تَمَّ الْبِنَاءُ مُؤَرَّخًا؛ (سماءٌ عَلَا فَاقَتْ عَلَى الْفَلَکِ الْأَعْلَى = ۱۱۹۷)

و محل تردید است که آیا این قصیده از سید احمد هاتف اصفهانی است، و یا آنچنانکه محقق فاضل آقای صدرایی در پاورقی ص ۹۳ یادآوری کرده‌اند قصیده مذکور از آن سید احمد عطار کاظمینی است. که بررسی آن فرصتی دیگر می‌طلبد.

اکنون از قصیده‌ای سخن می‌گوئیم که در نسخه خطی شماره (۱۳۷۱۵) کتابخانه مجلس شورای اسلامی که حاوی دیوان حاج عبدالنبی بغدادی و به

مناسبت فوق درج شده است که عین آن قصیده با دو سطری که به عنوان مقدمه ذکر شده تقدیم می شود. مصراع آخر قصیده که ماده تاریخ آن بناست چنین است: (إِخْلَعْنِ نَعْلَكَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ) که به حساب جمل مساوی ۱۲۸۸ است و این نادرست می نماید. امید می رود با پیدا شدن نسخه ای دیگر به وجه صحیح این ماده تاریخ دست یابیم:

هذا تاریخ من کلام حاج عبدالنبی البغدادی أئیده الله تعالی لبناء أحمد خان الخوئی لتجدید مشهد العسکریین، علی مشرفیها ما لا یُحصی من التّحیّات و الصلوات والتسلیمات الزاکیات.

أَزَقَلْتُ ^۱ مُشْتَاقَةً وَاللَّيْلُ عَسَعَسَ ^۲	وَرَعِيلُ ^۳ الشَّوْقِ فِي الْأَحْشَاءِ عَرَسَ ^۴
تَتَرَامِي كُلَّمَا عَنَّ ^۵ هَا	غَامِضُ الْبَرْقِ أَوِ الصَّبْحِ تَنْفَسُ
وَتَرَى الْقَوْمَ سُكَارِي فَوْقَهَا	مِنْ عِقَارِ الشَّوْقِ لَا الْحُمْرِ الْمُدَنَّسِ
كَلَّمَا حَنَّتْ غَرَامًا أَشْبَلَتْ	مُقَلُّ الْأَجْفَانِ كَالْتَّبْرِ الْمُنْكَكَّسِ
تَنْتَحِي حَضْرَةَ قُدْسٍ أَصْبَحَتْ	لِكِتَابِ اللَّهِ وَالتَّأْوِيلِ مَدْرَسِ
حَضْرَةَ حَلَا بِهَا سَبْطًا هُدَى	طَابَ مِنْهَا مَنَّبَتُ زَاكِ وَمَعْرَسِ
نَلَيْتِ سَامِرَاءَ فَخَرًّا بِهَمَا	فَلَعَمْرِي بِهَمَا أَصْبَحَتْ مَقْدَسِ

۱. آی: تحرکت الناقه.

۲. آی: دخل ظلامه.

۳. آی: عسکر.

۴. آی: نزل.

۵. آی: ظهر.

قَلَدَ الْوَسْمِيِّ أَجِيَادَ الرَّبِيِّ	مِنْكَ عَقْدًا مِنْ نَفِيسِ الدَّرَانَفَسِ
وَعَلَى قَبْرَيْكَ وَالْقَائِمِ فِي	شِرْعَةِ الْإِنصَافِ وَالْمُلْكِ الْمُرَوَّسِ
صَلَوَاتٍ وَتَحِيَّاتٍ بِهَا	يُصْبِحُ الْأَدْجَنُ فِي الْأَيَّامِ أَشْمَسِ
قَلْتُ فِي عَالِيَاكِ لِمَا أَرَخُوا:	(إِخْلَعْنِ نَعْلَكَ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ)

